



## فهرست

- ۱.....برنامه هسته‌ای ایران از اول تا خاتمی.....
- ۲.....دوران احمدی نژاد.....
- ۶.....روحانی و برجام.....
- ۷.....خروج ترامپ از برجام.....
- ۸.....دولت سیزدهم.....

ناد - نشریه واحد سیاسی انجمن اسلامی دانشجویان

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان امیر کبیر  
عضو دفتر تحکیم وحدت - تاسیس ۱۳۴۲

مدیر مسئول و سردبیر: روح الله عقیقی

هیئت تحریریه: آقای مه‌ریان - آقای شکری - آقای محمدی - آقای شفیعی

طرح جلد و صفحه آرای: خانم مهدوی - آقای شفیعی





## برنامه هسته‌ای ایران از اول تا خاتمی

### علی شفیعی اقدام

ایران در سال ۱۳۳۷ به طور رسمی به عضویت آژانس انرژی اتمی که منظور توسعه همکاری‌های بین‌المللی در استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی و جلوگیری از انحراف کشورها به سمت سلاح هسته‌ای ایجاد شده بود؛ درآمد. فعالیت‌های هسته‌ای ایران، با ایجاد مرکز اتمی دانشگاه تهران و ارسال یک راکتور ۵ مگاواتی آموزشی تحقیقاتی توسط آمریکا به ایران در سال ۱۳۴۰ شروع شد. در ادامه ایران در سال ۱۳۴۷ به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان پی تی) پیوست که به گفته اکبر اعتماد (اولین رئیس سازمان انرژی اتمی ایران که در سال ۱۳۵۳ تاسیس شد) کار بسیار اشتباهی بود زیرا که این پیمان بشکل ناعادلانه‌ای با تقسیم کشورهای جهان به داراها و ندارها (منظور تسلیحات هسته‌ای است) عملاً به جای ایجاد جهانی بدون تسلیحات هسته‌ای فقط تعداد کشورهای هسته‌ای را محدود کرده است و اجازه می‌دهد هر بلایی که می‌خواهند؛ کشورهای دارا سر ندارها بیاورند. در دهه ۱۳۵۰، رژیم شاه برای احداث نیروگاه هسته‌ای با کشورهای آلمان و فرانسه به توافق رسید که با پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی این قراردادها تعلیق شد. پس از پایان جنگ آلمانی‌ها که از قبل انقلاب، ساخت نیروگاه بوشهر را شروع کرده بودند از ادامه همکاری با ایران انصراف دادند. این کار باعث شد جمهوری اسلامی ایران برای تکمیل نیروگاه بوشهر

با روسیه قرارداد امضا کند. جمهوری اسلامی که با عدم همکاری کشورهای جهان برای ساخت نیروگاه مواجه شد تصمیم گرفت برای توسعه کشور مستقلاً به فناوری چرخه سوخت هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم دست‌یابد. اما این تصمیم باب میل کشورهای غربی که پس از جنگ سرد خود را وارث زمین می‌دانستند و می‌خواستند همه چیز از مسیر آن‌ها بگذرد نبود و با آغاز دهه ۱۳۸۰ شروع به مقابله با برنامه هسته‌ای ایران کردند. در سال ۱۳۸۱ به دنبال اعلام علیرضا جعفرزاده، سخنگوی گروه موسوم به شورای ملی مقاومت ایران، مبنی بر وجود دو سایت هسته‌ای در دست احداث (غنی‌سازی اورانیوم در نطنز و آب سنگین در اراک)، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بازرسی از این تأسیسات اعلام آمادگی کرد. ایران چند ماه بعد وجود تأسیسات مذکور را تأیید کرد و از فوریه ۲۰۰۳، بازرسی‌های آژانس آغاز شد. و به رغم اینکه پس از بازرسی‌ها مشخص شد هیچ انحرافی به سمت سلاح هسته‌ای در فعالیت‌های هسته‌ای ایران مشاهده نشده است، غربی‌ها موکدا اعلام داشتند ایران در تلاش برای برخورداری از قابلیت تسلیحات هسته‌ای است که این به معنی نقض تعهدات این کشور در برابر ان پی تی بوده است و به این بهانه بحران هسته‌ای ایران را آغاز کردند. در سال ۱۳۸۲ و آغاز پرونده هسته‌ای، بعد از بازدید و گزارش البرادعی رئیس وقت آژانس انرژی اتمی از تأسیسات



## دوران احمدی نژاد مهدی محمدی

با پیشروی ماجرا و زیاده خواهی طرف مقابل بعد از سعد اباد، بروکسل و پاریس مبنی بر تعطیلی کل برنامه هسته ای و گستاخی های بیشتر نظیر حفاظت از دانشمندان هسته ای بیکار شده پس از پذیرش توسط ایران، با دستور رهبر انقلاب، تعلیق ها باید برداشته می شد و جلسات سید محمد خاتمی با مسیولین کشور به بیانیه ای انجامید که خروج ایران از تعلیقاتی که می گویند را اعلام کرد. شاید یکی از دلایل رای آوردن احمدی نژاد در انتخابات ۸۴ هم همین انتقاداتش به روند مذاکرات بوده باشد. حال دیگر مسیله هسته ای به همه موضوعات مرتبط می شود. اقتصاد، حضور منطقه ای و سیاست خارجه، قدرت نظامی و... با آمدن لاریجانی به عنوان مسیول میز مذاکرات در دوران احمدی نژاد پس از دکتر روحانی با سه توافق سعد اباد و پاریس و بروکسل، نوید اتفاقات تازه ای را می داد. لاریجانی مخالف رویکرد اروپا در تعلیق و تعطیلی ها بود. در همان زمان، کار برای امریکا در عراق سخت تر شده بود و با اقدامات شیعیان عراق و سردار سلیمانی، ایران بازیگری مهم در مسایل عراق بود و امریکا در باتلاقی فرو رفته بود. تعلیق ها نیز شکسته شده بود و پیشرفت های هسته ای در حال وقوع بود با وجود مخالفت غربی ها و اروپا. در این حالت امریکا پیشنهاد تسلیم یک پارچه و همزمان را می خواستند، اروپا ولی تعلیق گام به گام را

ایران به شورای حکام، اولین بیانیه در خصوص نگرانی از برنامه هسته ای ایران در تاریخ ۲۹/۳/۱۳۸۲ صادر شد و از ایران خواسته شد پروتکل الحاقی که به معنا پذیرش نظارت های بیشتر آژانس بود را تصویب و اجرا کند. پیرو این اتفاق، در تاریخ ۳/۶/۱۳۸۲ نامه رسمی ایران مبنی بر اعلام آمادگی برای مذاکره با آژانس پیرامون پروتکل الحاقی تسلیم شد. اما کمتر از ۲۰ روز بعد یعنی در تاریخ ۲۱/۶/۱۳۸۲ اولین قطعنامه شورای حکام آژانس اتمی به پیشنهاد کشورهای اروپایی و به بهانه عدم گزارش بعضی فعالیت ها علیه ایران تصویب شد و از ایران توقف فوری غنی سازی اورانیوم را خواسته بود. بالاخره در آبان سال ۱۳۸۲، ایران در پی انتشار بیانیه تهران (سعدآباد) با حضور آلمان، فرانسه و انگلیس، در کنار اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی، فعالیت های غنی سازی خود را تعلیق کرد تا سبب حل و فصل مسئله هسته ای در آژانس شود اما در کمال تعجب در تاریخ ۵/۹/۱۳۸۲ کشورهای غربی دومین قطعنامه پیشنهادی علیه برنامه هسته ای ایران را در شورای حکام به تصویب رساندند و نشان داد عقب نشینی در مقابل غربی ها بی فایده است. اما آن زمان مذاکره کنندگان ایرانی که مسئولشان حسن روحانی بود باز هم نتیجه مذاکره و امتیاز دادن بیشتر گرفتند. در ادامه در بهمن سال ۱۳۸۲، ایران و اروپا در بروکسل به توافق جدیدی دست یافتند. طبق این توافق ایران ساخت قطعات سانتریفیوژ را متوقف کرد. در برابر سه کشور اروپایی تعهد دادند پرونده ایران بسته شود و به حالت عادی بازگردد اما باز در اسفند همان سال قطعنامه دیگری بر علیه ایران تصویب شد و ایران در مقابل بخشی از نظارت های آژانس را کاهش داد و دوباره تاسیسات فرآوری اورانیوم اصفهان را فعال کرد. در مقابل با پیشنهاد سه کشور اروپایی در خرداد و شهریور سال ۱۳۸۳، دو قطعنامه دیگر علیه ایران در شورای حکام تصویب شد. در ادامه بار دیگر در آبان ۱۳۸۳ توافقی بین ایران و سه کشور اروپایی با مفاد تقریبا مشابه بروکسل در پاریس به امضا رسید و دوباره آذر همان سال و تنها یک هفته بعد از امضا توافقنامه پاریس، قطعنامه دیگری با پیشنهاد اروپایی ها علیه ایران تصویب شد. پس از این اتفاقات، همچنان عطش مذاکره همچنان بین مذاکره کنندگان ایرانی وجود داشت اما تمام مذاکرات شکست خورد و دو طرف تا سال ۱۳۸۴ به هیچ نتیجه ای نرسیدند و در آخر در تاریخ ۲۰/۵/۱۳۸۴ هفتمین قطعنامه شورای حکام به تصویب رسید و چهار روز بعد ماموریت آقای روحانی در شورای عالی امنیت ملی با کارنامه ای مشتمل بر هفت قطعنامه به پایان رسید و این ۷ قطعنامه زیربنای فنی و حقوقی ارجاع ایران به شورای امنیت در دوره احمدی نژاد را فراهم کرد.

سرمایه گذاری مرتبط با موشک بالستیک که توانمندی ساخت سلاح هسته ای را داشته باشد، منع شده است. این بند از ممنوعیت، سرمایه گذاری استخراج اورانیوم را هم شامل می شود.

۲- دولت ها از فروش یا انتقال هشت سلاح سنگین شامل تانک، خودروه های زرهی جنگی، توپخانه، هواپیمای جنگنده، بالگردهای تهاجمی، ناو، موشک یا سیستم موشکی به ایران منع شده اند. بر همین اساس دولت ها اجازه ندارند کمک فنی یا نظامی این گونه تسلیحات را در اختیار ایران قرار دهند.

۳- ایران از انجام هرگونه فعالیت مرتبط با موشک بالستیک که توانایی حمل سلاح هسته ای را داشته باشد، منع شده و کشورها موظف هستند تمام تدابیر لازم را برای جلوگیری از انتقال فناوری یا کمک فنی مرتبط انجام دهند.

۴- انتقال قطعات حساس مرتبط با تاثیر هسته ای و موشکی به ایران یا از ایران منع شده است.

۵- سپاه پاسداران و شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی هدف تحریم های تازه قرار گرفتند. در نهایت این قطعنامه از اعضا می خواست اجازه ندهند شعب تازه بانک های ایرانی در کشورشان دایر شود یا بانک ها و موسسات مالی فعال در خاکشان با ایران معامله کنند. لاریجانی تمرکز خود را برای کسب اعتماد اژانس گذاشته بود. در بعد منطقه ایران دست برتر را در نسبت با امریکا و انگلیس داشت. همچنین در افغانستان نیز، طالبان کار را برای امریکا سخت کرده بود. حزب الله لبنان اولین بار باعث

می خواست. ایران ضمن انجام مذاکرات، در داخل در حال پیشرفت در حوزه هسته ای بودند. ۱۸ اسفند ۸۴، پرونده ایران از شورا حکام اژانس به شورا امنیت ارجاع داده شد. لاریجانی در مذاکرات با سولانا نماینده اتحادیه اروپا و البراده ای رییس اژانس اتمی، کار را به جایی رساند که اولاً سوالات مهم اژانس در خصوص فعالیت هسته ای ایران و ابهامات آن مشخص شود و ثانیاً پس از تحقیق و نتیجه گیری برای اژانس در مورد همان ابهام، پرونده آن بسته شود. امریکا در ۹ مرداد ۸۵، اولین قطعنامه را در شورا امنیت سازمان ملل علیه ایران به تصویب رساند. در ۲ دی ماه ۸۵ نیز قطعنامه ای تصویب شد که تحریم هایی را شامل شد و ۴ فورودین ۸۶ زمان قطعنامه بعدی در آن زمان علیه ایران بود. در مجموع از سال ۲۰۰۶، پس از ارجاع پرونده هسته ای ایران از شورا حکام اژانس اتمی به شورا امنیت، ۶ قطعنامه در شورای امنیت بر علیه ایران صادر شد. به جز قطعنامه اول، باقی قطعنامه ها شامل تحریم هایی بودند که سعی در توقف فعالیت هسته ای ایران و غنی سازی به طول کامل داشت. قطعنامه های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵، ۱۸۸۷ و ۱۹۲۹. آخرین قطعنامه که در تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۱۰ صادر شد، بیشترین موارد تحریمی را شامل می شد. برخی از تحریم های ذکر شده در قطعنامه ۱۹۲۹ به شرح زیر است:

۱- ایران از سرمایه گذاری در خارج از کشور در فعالیت های حساس هسته ای مانند غنی سازی اورانیوم و فعالیت هایی که بتواند دانش فنی هسته ای را به دست آورد و همچنین



شکست اسرائیل شد ان هم نه از یک کشور که از یک گروه شیعی مورد حمایت ایران خورده بود. جنگ ۳۳ روزه، دست برتری در نسبت با اسرائیل برای ایران بوجود آورده بود. ۲۰ فروردین ۸۵، رسماً اعلام شد که ایران به فناوری غنی سازی دسترسی پیدا کرده است مدتی بعد به ناگهان لاریجانی از کار برکنار شده و آقای جلیلی نیز جایگزین آن شده است و دلیل آن توسط احمدی نژاد درخواست استعفای آقای لاریجانی توسط خودشان بود. در دوران ۶ ساله آقای جلیلی، ایران ۹ دور با ۱+۵ مذاکرات هسته ای انجام داد.

از سال ۸۶، آمریکا به این نتیجه رسید که عدم حضورش در مذاکرات نه تنها باعث پیشروی بهتر مذاکرات شده بلکه، باعث پیشرفت بیشتر ایران در حوزه فناوری هسته ای هست. از این پس آمریکا در مذاکرات ۱+۵ حضور پیدا کرد. کشور از لحاظ اقتصادی در این سال ها بسیار مورد فشار قرار گرفت. اما از لحاظ هسته ای رشد داشتیم، زمانی که ما در پیش از احمدی نژاد بر سر ۱۰ تا سانتریفیوژ بحث و مذاکره می کردیم، در ابتدای دولت روحانی ۱۹۰۰۰ سانتریفیوژ ایران داشت. و نسل آن نیز ارتقا پیدا کرد. در بهمن ۸۸ پس از آنکه غربی از تامین سوخت ۲۰ درصد برای راکتور تحقیقاتی اراک دست پس کشیدند، ایران در کمال ناباوری، به سراغ آن رفته و با کمک شهید شهریار به آن دست پیدا کردیم. و دسترسی به فناوری غنی سازی ۲۰ درصد به معنای دسترسی ایران به فناوری غنی سازی تا ۹۰ درصد نیز بود و همین موضوع تورق را به نفع ایران برگرداند و شهید شهریار چند ماه بعد، با خون خود مزد این اقدام ارزشمندش را گرفت و توسط عوامل رژیم صهیونیستی ترور شد. گذر زمان، کار را در داخل به نفع ایران پیش می برد ولی

طرف غربی نیز از ابزار تحریم و تهدید سعی در توقف ایران بودند. آمریکا از عمان خواسته که ایران پای میز مذاکره با آمریکا بنشیند، ایران هم ۶ شرط رو برای این مذاکرات مطرح می کنه. ۲۳ ابان ۱۳۹۰، اوپاما پیامی شفاهی برای پادشاه عمان می فرستد و اعلام علاقه می کند برای ارتباط با ایران. ۵ اذر ۱۳۹۰، سالم الاسماعیلی که به نوعی رابط عمان با ایران و مذاکره کننده آمریکایی بود، از ایران می خواد که شرایطش رو برای مذاکره هسته ای با طرف مقابل بیان کنه. علی اکبر صالحی هم که ۶ مورد را شفاهی بیان می کند. ۱. ایران حق غنی سازی تا ۱۰۰ درصد رو محفوظ می داریم ولی غنی سازی بالای ۵ درصد رو داوطلبانه لغو می کنیم به شرطی که طرف مقابل سوخت مورد نیاز برای تحقیقات ما را تامین کند. ۲. ما در موافقت نامه دو جانبه با ۱+۵ رسماً اعلام می کنیم که تمایلی به ساخت سلاح هسته ای نداریم.

۳. آمریکا باید تعهد بده که کلیه تحریم های لغو بشود و بعد از اینکه تحریم ها لغو شدف اجازه می دهیم بازدید در چارچوب پروتوکل الحاقی انجام بشه ۴. به تمامی تکنولوژی های نوین به خصوص هسته ای حق دسترسی داشته باشیم ۵. از آقای سالم الاسماعیلی و سلطان قابوس سلام برسانید واز آن ها تشکر کنید و بفرمایید برای حل بحران سوریه در صورت ورود، با ما همکاری کند ۶. از پیگیری که برای آزادسازی زندانی انجام شده تشکر بشه و سعی شود آقای تاجیک آزاد شود. ۶ اذر ۱۳۹۰ سالم الاسماعیلی این موارد را به سلمان قاموس پادشاه عمان منتقل می کند ۱۸ اذر جان کری وارد مسقط می شود و سلطان قاموس موارد را به آن بیان می کند و با موافقت آمریکا، این خبر را سوری به ایران می دهد. آقای صالحی درخواست پاسخ رسمی از طرف آمریکا و عمان را می خواهد و این کار انجام می شود. حال کری در نامه ای دو مسیر را پیشنهاد کرده بود: مسیر اول مذاکرات در قالب ۱+۵ در جهت ایجاد رضایت طرفین اعتماد بین المللی رو کسب کنه. مسیر دوم هم مذاکره مستقیم با آمریکا است جان کری هفت مطلب را به سلطان قابوس می گوید که به ایران منتقل کند.

۱. این مذاکرات و به نتیجه رساندن آن به نفع ایران است ۲. این توافق تا زمانی که اوپاما رییس جمهور است قابل اجراست و پس از آن مشخص نیست ۳. زمان به نتیجه رسیدن این مذاکرات کمتر از ۴ ماه آینده است. ۴. مذاکرات با حضور نمایندگان طرفین و نماینده سلطان عمان انجام می شود. ۵. مذاکرات تماماً باید محرمانه تلقی شود. ۶. هیئت نمایندگان ایران از سوی رهبری انتخاب شده و اختیارات تام داشته باشند. ۷. اساس این مذاکرات بر مبنای نامه پیشنهادی ایران خواهد بود.

مدتی بعد در سفری مجدد جان کری از سلطان قاموس می خواهد که به ایران بره و ایشان نامه به رهبری می دهد و می گوید که اوپاما شرایط را پذیرفته و عمان ناظر بر این مذاکرات خواهد بود. به گفته صالحی در دیداری که اسفند ماه صالحی با رهبری داشتند و به اسرار برخی افراد در جلسه، اقا می فرمایند که اعتمادی به آمریکا نیست ولی از باب اتمام حجت مخالفتی با مذاکره نداریم ولی این چهار شرط باید باشد: ۱. مذاکره سیاسی نباشد و در خصوص مسایل هسته ای باشد ۲. مذاکره در رده وزیر خارجه نباشد و پایین تر از آن باشد ۳. مذاکره در همان یکی دو جلسه باید تکلیف روشن



۳. بیرون بردن اورانیوم غنی شده  
۴. کاهش داوطلبانه غنی سازی و وضعیت تاسیسات قم  
۵. تضمین های چند ملیتی برای تامین سوخت  
۶. آینده برنامه و فناوری صلح امیز هسته ای ایران  
۷. شرایط برداشته شدن تحریم ها علیه ایران و سایر موضوعات  
اقا صالحی با این موافقت کرده و به دلیل مسایل داخلی ایران، دو سه ماه طول کشید. در نهایت قرار اولین دور مذاکرات برای ۱۸ تیر ۹۱ تنظیم می شه. تیم اول از طرف امریکا می آیند و معاون وزیر خارجه علی اصغر خواجهی نیز مسیولیت تیم ایرانی را برعهده می گیرد. بالاخره در مذاکره اول چارچوبی مشخص می شود و برسر کلیات صحبت می شود. برز از این دیدار به عبارت عملیات شناسایی نگاه می کند. یک سال دو مذاکره طول کشید. برای مذاکره دوم، تیم را اقای صالحی با اختیارات خودش ارسال می کند. بحث بین خواجهی و برز، ابتدا بر سر این بود که خواجهی می گفت باید تیم امریکا مکتوب حق غنی سازی را برای ایران به رسمیت بشناسه ولی امریکایی می گفت که باید صرفا در مرحله بررسی بمانیم. سلطان قاموس میانجی می شود و خود تضمین پذیرش این حق از طرف امریکا هایی می شود و این نامه برای احمدی نژاد و اوپاما ارسال می شود و ذکر می شود که اصل غنی سازی مورد پذیرش بوده است و بنا می شود مذاکرات تا دولت بعدی ایران متوقف شود.

بشود و حق غنی سازی ما به رسمیت شناخته شود  
۴. رییس جمهور وقت به عنوان رییس شورای عالی امنیت ملی هدایت دو مسیر را داشته باشد( اقای خواجهی با امریکا مذاکره می کند و جلیلی با ۵+۱) احمدی نژاد همراهی قوی نداشتند ولی مانع هم نشدند از این کار سلطان قاموس ۳ فروردین ۹۱ مجدد تماس می گیرد و درخواست امریکا برای مذاکره دو طرفه را بیان می کند و هییتی به سرپرستی برز و کری آماده مذاکره است. ۱۴ فروردین ۹۱ اوپاما به رهبری نامه می زنه و تاکید که ما به نامه ۲۰ خرداد ۸۸ مبنی بر اعزام نمایندگان شخصی برای مذاکره می کند. خودش را شامل توصیفات رهبری مبنی بر شجاعت و صداقت و اراده طرفین مذاکره می داند و اشاره به حکم فقهی اقا مبنی بر ممنوعیت استفاده و ساخت تسلیحات هسته ای اشاره می کند که قطعنامه های بر علیه ایران با این حکم منتفی خواهد بود و امریکا به دنبال تغییر رژیم در ایران نخواهد بود. نامه مجدد به سلطان قاموس توسط امریکا ارسال می شود که اعلام مجدد آمادگی را شامل می شود و این پیام از طریق سالم الاسماعیلی به صالحی منتقل شده و صالحی می گوید به تهران بیا به همراه تصویر نامه تا در صورت صحت، زمان اولین مذاکره را تعیین کنیم. نامه شامل این مطلب است که ما آمادگی مذاکرات ۲+۱ ( ایران و امریکا با میانجی گری عمان) را داریم، بر سر این هفت موضوع و نه موضوع دیگه ای بدون هیچ پیش شرطی مذاکره انجام دهیم:  
۱. حقوق ایران برای غنی سازی براساس ان پی تی  
۲. امضای پروتوکل الحاقی و روند های راستی آزمایی



## روحانی و برجام

شد. از آنجا که دوره پنجم مذاکرات ژنو، ششمین دوره به فاصله حدود ده روز نمایندگان را بار دیگر برای توافق به پای میز مذاکره کشاند که این دور از مذاکرات نتیجه بخش بود. دور دیگر مذاکرات در فروردین ماه سال ۱۳۹۴، با نام لوزان شکل گرفت که در طی این مذاکرات بسیاری از مخالفان از جمله اسرائیل، فعالیت های بسیاری در جهت بی نتیجه ماندن توافقات انجام دادند که از آنها میتوان به خبری که از روزنامه ای آلمانی منتشر شده بود «اسرائیل با هدف جلوگیری از حصول توافق هسته‌ای، مذاکرات میان ایران و ۱+۵ را شنود کرده‌است» توجه کرد. در طی این دوره از مذاکرات دولت فرانسه خواهان تضمین کنترل پذیری ایران در حوزه فناوری هسته‌ای شد و در این راستا خبرگزاری رویترز نوشت: «فرانسه توافقی می‌خواهد که دسترسی ایران را به انرژی هسته‌ای ممکن سازد، اما نه این که این کشور بتواند سلاح اتمی تهیه کند.» و در خبر هایی که در اواخر مذاکرات منتشر می شد، جزئی از نتایج مذاکرات این بود که ایران مجاز به غنی سازی اورانیوم فقط تا پنج درصد بوده و باید نمونه هایی که بیشتر از این مقدار غنی سازی شده اند را از بین ببرد و در مقابل،

دولت یازدهم در سال ۱۳۹۲ با شعار دولت تدبیر و امید به روی کار آمد که مصادف با دهمین سال مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب بود. البته که تنها دستاورد دولت حسن روحانی در مذاکرات، حضور آمریکا بر سر میز مذاکرات بود که برای بار دیگر دشمنی سیاست این کشور با ایران را به تصویر کشید. دولت تدبیر جناب آقای روحانی در پی توافق در سال ۱۳۹۲ مذاکرات متعددی از جمله مذاکرات نیویورک، ژنو و لوزان شرکت کرد. در مذاکرات نیویورک که اولین دور از مذاکرات دولت یازدهم بود، گویا تنها هدفی که دنبال میکرد معرفی هیئت مذاکره کننده جدید بود. در طی این مذاکرات جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، و محمد جواد ظریف یک جلسه خصوصی را دنبال کردند که اعلام امیدواری نسبت به توافق از سوی حضار را نتیجه داد. چهارمین دوره مذاکرات هسته‌ای ژنو یک ماه پس از مذاکرات شهریور ماه در سوئیس برگزار شد و اما پنجمین دوره مذاکرات ژنو که یکی از نقاط عطف پیگیری توافقات دانسته می‌شود، میان وزرا خارجه کشور های ۱+۵ و ظریف، سرپرست گروه مذاکره کننده ایران، برگزار شد اما در پایان، این دور از مذاکرات به نتیجه نرسید و حتی به تنش میان نمایندگان این کشور ها منجر

اقتصاد مردم را برای اصلاح کدام بخش شکستید؟! کاش می‌دانستید، اگر چرخش سانتریفیوژها از کار بیفتد دیگر اهرمی وجود ندارد که پای میز مذاکرات بنشینند.



## خروج ترامپ از برجام رضا شکری

وقتی مسئله‌ی هسته‌ای و تحریم‌ها شروع شد، برخی چهره‌های شناخته‌شده به اینجانب می‌گفتند: «چرا بر روی مسئله‌ی هسته‌ای می‌ایستید؟ این مسئله را کنار بگذارید تا آمریکایی‌ها خباثت و دشمنی نکنند.» همان موقع به این مسئولان می‌گفتم: «انرژی هسته‌ای بهانه است، اگر این را کوتاه بیاپید آمریکایی‌ها بهانه‌ی دیگری می‌گیرند؛ آن‌ها می‌گفتند: «این جور نیست»، اما حالا دیدید که همین جور است و آنچه می‌گفتم تحقق یافت. آمریکا که خیالش از یکی از دو عامل بازدارنده ایران - هسته‌ای - راحت شده بود، به دنبال بهانه‌ای برای خروج از برجام بود تا با تکرار سناریوی برجام، عامل بازدارنده دیگر ایران - موشکی - را نیز تضعیف کند.

دولت ترامپ از ابتدا فکر خروج از برجام را در سر داشت اما پایبندی ایران به مفاد برجام و اقرار آژانس به این موضوع از طرفی، و مخالفت محافظه‌کاران آمریکایی از سوی دیگر، بهانه را از دست ترامپ خارج می‌کرد. دولت آمریکا بارها به اصلاح برجام اشاره می‌کرد، برجامی که علاوه بر نگرانی‌های هسته‌ای، نگرانی‌های آمریکا درباره برنامه موشکی ایران را هم برطرف کند. به بیان ساده‌تر، برجامی که علاوه بر از کار انداختن برنامه هسته‌ای ایران، برنامه موشکی ایران را هم تضعیف کند. تضمین نگرفتن از طرفین برجام توسط ایران نقطه ضعفی بود که باعث شده بود دولت آمریکا با خیال راحت بتواند به خروج از برجام فکر کند. این تضمین نگرفتن ناشی از اعتماد داشتن به طرف آمریکایی بود. نکته‌ای که بارها رهبری نسبت به آن تذکر داده بودند: بعضی‌ها هستند که می‌گویند حالا یک‌جوری، مثلاً

آزادسازی اموال بلوکه شده ایران و لغو بخشی از تحریم‌ها علیه ایران، توافق شده بود. در نهایت، در تاریخ سیزدهم فروردین سال ۱۳۹۴ طرفین به توافق رسیدند و پیمانی با عنوان برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) نتیجه شد. پس از امضای برجام، این قرار داد به مرحله اجرا رسید و ایران مجری تمام و کمال آن بود، اما وقتی نوبت به طرف دیگر این معاهده رسید زیر میز مذاکرات زد و خروج خود را از برجام اعلام کرد. این درحالی بود که حتی اگر به مفاد این پیمان عمل می‌شد بازهم سودی که بابت آن هزینه‌های هنگفتی داده شده بود عاید ایران نمی‌شد و اصلاً لغو تحریم‌ها در این توافقنامه ذکر نشده بود و صرفاً تعلیق تحریم‌ها را در برداشت که آن هم به نتیجه نرسید و با خروج آمریکا از برجام، ۱۵۰۰ تحریم جدید علیه ایران وضع شد. دولت یازدهم با رقیق کردن اورانیوم غنی شده و کاهش مقدار آن از ۹ تن به ۳/۰ تن، پر کردن لوله‌های آب سنگین اراک با بتن، تغییر کاربری سایت هسته‌ای فردو به یک مرکز تحقیقاتی و کاهش تعداد سانتریفیوژها به یک سوم شمار قبل اولین اقدامات در جهت اجرای برجام را پیش برد. ضمن این فعالیت‌ها تیم مذاکره‌کننده تعهد داد که مجوز بازرسی مراکز نظامی ایران تنها به شرط موافقت پنج کشور از هشت کشور شرکت کننده را صادر کند و درحالی با این بند موافقت شد که سه ماه پیش از آن رهبر فرزانه به مخالفت کردن با این مجوز تأکید کردند. در بند های ۷۶ و ۷۸ راهی که ایران را از صدور این مجوز معاف میکند، شکایت به کمیسیون مشترک مطرح شده آن هم در صورتی که پنج کشور یعنی اکثریت این کمیسیون بر بازدید از مراکز نظامی ایران اتفاق نظر داشتند، گویا این بند‌ها بمانند مالیدن شیره به سر کودکی خردسال است. طبق برنامه جامع اقدام مشترک، تعلیق و لغو موقت تحریم‌های تسلیحاتی و نظامی هشت سال پس از اجرای برجام به انجام می‌رسید و با این وجود بازهم حلقه تحریم‌های آمریکا علیه ایران بدون تغییر، تبادلات و اقتصاد ایران را متأثر می‌ساخت. بر طبق بند چهارم منشور ایالات متحده ایران طی این هشت سال نمی‌توانست هیچگونه فعالیتی در حوزه فناوری هسته‌ای را پیش ببرد و این یعنی هشت سال خلأ برای عقد این قرارداد، آمریکا با توجه به نظریه چندین اندیشکده امنیتی که متن برجام را ۱۴ بار تنظیم کردند و حتی برای جانمایی سانتریفیوژها در سالن مجتمع نطنز هم تصمیم‌گیری کرده بودند، عمل کرد و اما هیئت مذاکره‌کننده حتی نماینده‌ای از بانک مرکزی، بیمه و یا شرکت نفت که سنگین‌ترین تحریم‌ها را متحمل میشوند، به همراه نداشت. اصرار بر این \*توافق بد\* یاد آور جمله «چرخ سانتریفیوژ باید بچرخد، چرخ اقتصاد مردم نه؟!» است. آقای روحانی چرخ سانتریفیوژها را که بتن گرفتید، چرخ



## دولت سیزدهم امیر مهدی مهران

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ مالا مال از اعتماد راسخ ملت غیور ایران به آقای ابراهیم رئیسی بود؛ با این وجود پس از از تنفیذ حکم سید مردمی از سوی رهبر معظم و معزز انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، پاره‌ای از نگاه‌ها این بار به سرنوشت برجام نافرجام دوخته شده بود. بنای غرور ملی خدشه‌دار شده ایرانیان که به واسطه سهل‌انگاری‌ها و ایضا وفور بی‌اعتنایی‌های کابینه دولت پیشین به نصایح موکد حضرت آقا مبنی بر کارشکنی و بدحسابی‌های سران آمریکایی و نیز روند رو به اضمحلال تایتانیک آمریکایی، درهم شکسته بود، مسبب گشت که تکه‌های مکسور آن به پای دیپلماسی این مملکت نشسته و مرهم نهادن بر آن و سروسامان دادن به اوضاع آن روزهای کشورمان وقتی چند دولت آقای رئیسی را به خود مشغول نماید تا با آسودگی خاطر به مصاف خصم در عرصه بین‌المللی بروند. از سویی دگر، با پیروزی بایدن در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و در نتیجه ربودن گوی سبقت توسط دموکرات‌ها از فیل‌های رقیب در الاکلنگ قدرت لیبرالیسم ایالات متحده که هر بار بر قوت یکی افزوده و دیگری را تضعیف می‌نمود؛ موجب گردید تا این بار نیرنگ‌های این حزب با نقاب مصالحه ذیل ((برنامه جامع اقدام مشترک))، راهبرد جدید اجرایی آمریکایی‌ها تلقی گردد. هرچند که خیل عدیدی به اصطلاح کارشناسان اصلاح‌طلب معتقد بودند با رییس جمهور شدن بایدن، سرنوشت برجام که می‌تواند همچون توافق آب‌وهوایی پاریس به سهولت تمام صورت گیرد اما با توجه به اتفاقات اواخر سال ۱۴۰۰ و همینطور شهریور ماه ۱۴۰۱ که توافق سهل‌الوصول به نظر می‌رسید اما کارشکنی‌های پی‌درپی دموکرات‌ها و عدم به نتیجه رسیدن آن، این امر اثبات گشت که استراتژی راهبردی ایشان مذاکره بدون نتیجه می‌باشد تا بتوانند کنش جمهوری اسلامی ایران را محدود به آن کنند و تمایل آنان هرگز به برجامی به سود جمهوری اسلامی ایران

یک‌ذره، با آمریکا کنار بیاییم، شاید دشمنی‌شان کم بشود؛ نه، حتی به آنهایی هم که به آمریکا اعتماد کردند، به آمریکا امید بستند، به سراغ آمریکا رفتند برای کمک گرفتن، رحم نکردند؛ [مثل] چه کسی؟ دکتر مصدق از ابتدای سال ۱۳۹۷، زمزمه‌های خروج آمریکا از برجام شنیده می‌شد. تغییرات در درون دولت آمریکا با جایگزین کردن موافقین خروج آمریکا از برجام با مخالفین این تصمیم و اشارات پی‌درپی دونالد ترامپ، احتمالات را بیش از پیش می‌کرد سرانجام پس از کش و قوس‌های فراوان در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ آمریکا از برجام خارج شد. تصمیمی که مذاکرات را به نقطه‌ای که قبل از برجام بود، رساند: تحریم ایران، فشار اقتصادی و کشاندن دوباره ایران به میز مذاکره. اما این بار با برنامه موشکی.

با خروج آمریکا از برجام، راهبرد فشار حداکثری در دستور کار دولت ترامپ قرار گرفت. راهبردی که بر مبنای فشار حداکثری و مستمر بر ایران با هدف دستیابی به توافقی جدید و گسترده‌تر از موضوع هسته‌ای قرار گرفت. در این طرح مجموعه‌ای از ابزارهای مختلف به شکل منسجم، هدفمند و همزمان به خدمت این راهبرد در آمد: قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی، اعمال تحریم‌های بیشتر نسبت به قبل از برجام، تحریم وزیر امور خارجه ایران، اعزام ادوات نظامی به خاورمیانه از جمله این اقدامات بود.

در مقابل آن ایران نیز پس از یک سال مهلت دادن به طرفین برجام، کاهش تعهدات برجامی را در چند گام شروع کرد که پاسخی به اقدامات آمریکا بود و در مقابل آمریکا به برنامه فشار حداکثری خود ایمان داشت و آن را شدیداً تقویت می‌کرد. هدف از اجرای سیاست پس‌برجامی فشار حداکثری، کشاندن ایران به میز مذاکره و قبول بندهای فرا برجامی بود. در مقابل این راهبرد ایران نیز راهبرد نه جنگ نه مذاکره را در پیش گرفت که باعث شکست راهبرد آمریکا شد. ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا: دولت ترامپ ما را در برابر مجموعه‌ای از گزینه‌های وحشتناک قرار داد. کمپین فشار حداکثری یک شکست فاحش بود. اجرای سیاست فشار حداکثری باعث شد تا برنامه هسته‌ای ایران باز قوت بگیرد و در پاسخ به هر اقدام آمریکا، ایران یک گام هسته‌ای دیگر بردارد. یعنی این سیاست نه تنها جلوی ایران موشکی را نگرفت، بلکه ایران را به مسیر هسته‌ای شدن برگرداند.

در این اوان، حتی سطل‌های زباله مغروق در آتش اغتشاشات نابخردانه نیز نتواست زمستان طاقت‌فرسای اروپا را تسکین بخشد؛ تا سیاست بالقوه دولت بایدن هرچند بر روی کاغذ در شرف وقوع بود، لیکن در وهله عمل ضربه مهلکی را پذیرا شود؛ تا هیچ‌گاه به امری بالفعل تبدیل نگشته و خیال واهی ساقط گشتن نظام جمهوری اسلامی ایران به پوچی گراید؛ کما اینکه در طبس (و ید الله فوق ایدیهیم) پنجه عقاب آمریکایی را خواباند تا قدرت الهی در برابر دیدگان همگان نمایان گردد. شایان توجه است که ایران اجازه حضور آمریکا را در توافقات نداد تا خود با ۱+۴ روند کار را ادامه دهد هرچند که در پشت پرده نقش شیطان بزرگ بی‌شک غیرقابل انکار می‌باشد. مع الوصف، آنچه توافق عموم بر آن است این حقیقت مهم است که حتی طبق اذعان مخالفین دولت جدید و یا عده‌ای که در ابتدای امر در بحث برجام مشتبه شده بودند، دولت در قبال منابع ملی هیچ‌گاه کوتاه نیامده و یا آن را فدای مسائل جناحی چپ و راست نکرده است و همواره در صدد آن بوده تا اوضاع متلاطم کشور و وضع معیشت مردم و اقتصاد را بهبود بخشد و مزید بر همه این‌ها می‌توان ساقط نمودن کشتی پروپاگاندای محور عبری-عربی-غربی مبتنی بر انزوای سیاسی دولت جدید انقلابی را با توپ‌های آتشین روابط کارسازی نظیر معاهده شانگهای که پیش‌تر نیز به آن اشاره گشت و دربرگیرنده منافع اقتصادی بی‌شمار نیز بود را برشمرد که در نتیجه بدون هیچ تردیدی عملکرد ایشان را قابل مدافعه متجلی می‌نماید. علاوه بر تمجید و تحسین اقدامات پُراج دولت، ذکر این نکته از ضرورت بسیاری برخوردار می‌باشد که در زمینه برجام تکلیف مبرهن سران مذاکره آن است که از موازین اسلامی و نظامی چونان موشک‌های بی‌رقیب خود ابدًا کوتاه نخواهیم آمد و در مسئله انرژی‌های هسته‌ای نیز به دامی که در سال‌های پیش گرفتار آمده بودیم، این بار نخواهیم افتاد و با هوشیاری تام به پای میز مذاکرات با گروه پنج بعلاوه یک خواهیم رفت.

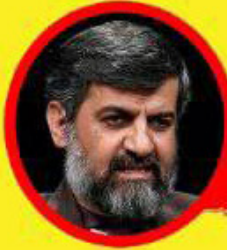
نبوده، نیست و نخواهد بود. دولت سیزدهم با دکترین نوین خود بنای آن داشت تا با نصب العین کار خویش قرار دادن رهنمودهای حضرت آقا در هفته دولت در میان جمع هیئت دولت آقای روحانی، خود را محدود به مذاکرات با گروه چهار به علاوه یک با نظارت به ظاهر غیرمستقیم آمریکا ندیده و با وجود تعللی در بدو امر با فراموشی تلخ‌کامی‌های اخیر توافق بین‌المللی همت خود را بر آن گمارد تا توان دیپلماسی خویش را متوازن در میان کشورها به تناسب توانایی و نیز وسعت آنان چونان پیمان شانگهای توزیع گرداند و از سویی دیگر، مطابق با تبعات احتمالی مکانیزم ماشه که تهدید محتمل اروپایی‌ها نیز می‌باشد خروج از برجام می‌توانست خسران کلانی را برای ایران در ابعاد بین‌المللی به همراه داشته باشد تا جایی که روسیه و چین نیز حتی دیری نخواهد پایید که از ایران در این عرصه فاصله‌ای محسوس خواهند گرفت. پس تداوم روند مذاکرات برجام تا بدین جای کار بدیهی است که به دولت سیزدهم تحمیل گشته بود و پس از مذاکرات شهریور ماه، دیگر خروج ایران از این معاهده غیرقابل توجیه تلقی می‌شود. از طرفی مذاکرات به طور و ایضا همسایه نیز باعث شد تا فعالیت ایران به روند برجام موازی وزارت امور خارجه کشور با کشورهای حوزه خاوردور و سرانجامش گره نخورد و مختل نگردد. برخلاف دولت قبل که پیش‌تر با اقداماتی عجولانه سعی فراوان بر این امر داشت تا اعضای تیم مذاکره‌کننده خود را به محبوبیت نزد مردم برساند؛ علی‌رغم اینکه این عمل سبب می‌گشت تا این مذاکره‌ها به مساله‌ای لاینحل در اذهان ایشان بدل شود. دولت ۱۳ با حفظ ایدئولوژی سابق خود، راهبردی جدید در هدایت سکان کشتی دیپلماسی این کشور اتخاذ نمود که ملت را متعاقباً با چنین اعمالی، درگیر این مسائل نمی‌کرد و حتی برخی می‌پنداشتند که مذاکره‌ای تا کنون صورت نگرفته است هرچند که اوضاع بین‌المللی کشور بالتردید گام به سمت و سوی بهبودی برداشته بود.





# برجام؟ جام زهر یا طلا؟!

مناظره آقایان:



مهدی نصیری

و

مهدی خانعلی‌زاده



یکشنبه ۲۰ فروردین؛ ساعت ۱۴



آمفی‌تئاتر مرکزی؛ سالن بهمن

